

يك نمونه ديگر از مقالات تحقيقي صمد

مشخصات قهرمان

در افسانه های آذربایجان

افسانه قسمت مهمی از فلکلور را تشکیل میدهد. در افسانه ها علاوه بر چیزهای دیگر که عموماً از فلکلور عاید جامعه شناسان و غیره می شود میتوان بهترین و اصل ترین نثر زبان را پیدا کرد. بعلاوه افسانه ها سرشار از ترکیبات زیبا و تعبیرهای لطیف آن زبانند.

مثلاً در داستانهای **کوراوغلو** می توان نثر زبان ترکی را سراغ گرفت. نکته پیداست که افسانه های هر ملت و کشوری خصوصیات دارد که آنها را از افسانه های ملل دیگر متمایز می کند. در محیط های جغرافیائی مختلف و از حوادث و شرایط تاریخی گوناگون افسانه هایی با خصوصیات متنوع زاده میشود. مثلاً آنچه در نظر اول در فلکلور سیاه پوستان دیده میشود رنج و حسرت عظیمی است که در طی هزاران سال بردگی و استعمار شدن بر آنها سنگینی کرده است و لاجرم در فلکلورشان منعکس شده است.

اصولاً فلکلور نشان دهنده و منعکس کننده احوال و افکار و آرزوهای طبقات محروم و پائین اجتماع است و گاهی که از بالاترها و اشراف صحبت میشود، هنگامی است که طبقات محروم به ناچار ضمن امرار معاش و تحصیل با آنها برخورد میکنند.

چون روی سخن در این مقاله با افسانه های آذربایجان است همین قدر مقدمه چینی هم کفایت میکند.

در دوسه جای دیگر هم گفته شده که میتوان داستانهای فلکلوریک آذربایجان را سه دسته کرد:

۱- داستانهای حماسی مخلوط با عشق های پهلوانی و دلاوریها و مبارزه با پادشاهان و خوانین و فئودالها. از این دست داستانها بکیرید داستانهای بسیار شورانگیز **کوراوغلو** را که هفده داستان است. و بدهم داستانهای کتاب **دده قورقود** را.

۲- افسانه های صرفاً عاشقانه، از این دست بکیرید داستانهای بسیار مشهور **عاشق غریب**، **طاهر مهرزاد**، **اصلی و کرم**، - و غیره و غیره...

۳- افسانه هایی که برای بچه ها و نوه و نتیجه ها گفته میشود در شبهای دراز زمستان پای کرسی برای سرگرمی و فرورفتن به خواب شیرین و شکر. همه کس دست کم نام پنجاه داستان از این دست را میدانند.

در اینجا فقط می پردازیم به خصوصیات افسانه های دسته سوم

سخنی درباره چند تن از قهرمانان و چهره‌های مشخص افسانه‌ها :

۱- «کچل» - یکی از جالب‌ترین و زنده‌ترین و اصل‌ترین چهره‌های افسانه‌های آذربایجان است. کچل جوان فقیری است که از طبقه سوم که هیچ‌گونه وسیله معاش ندارد نه زمینی و نه سرمایه‌ای و نه هیچ شغل و حرفه و منصب معینی. اغلب پیش‌پوش ننه‌پوش زندگی می‌کند و از بولی که ننه‌اش از پشم ریزی بدست می‌آورد امرار معاش می‌کند.

کچل گاهی کمکی تنبل و تن‌پرور است. اما وقتی که مجبور به کار کردن و سر کردن شکم خود می‌شود چنان کارهایی می‌کند و چنان مردی و هوش و فراستی از خود نشان می‌دهد که پادشاهان و وزیران و دیوهای پرزور از دستش عاجز میشوند. در دو کلمه بگویم، کچل تنبل و درعین حال چالاک و کارکن است و خوب می‌تواند حقه سوار کند حرفهای بامزه خیلی بلد است. داستان نویسنده معاصر غلامحسین ساعدی در یکی از داستانهایش از این چهره آذربایجانی به‌خوبی و استادانه بهره‌داری کرده است.

در افسانه‌های آذربایجان کچل اغلب با وزیر و گاهی با پادشاه درمی‌افتد و همیشه پس از شکست‌ها و خفت‌ها و گول خوردن‌های متوالی پیروز می‌شود و یکپوش می‌بینیم داماد پادشاه شد یا خود به‌جای پادشاه نشست و ننه‌پوش را هم وزیر کرد.

کچل سمبل فرد محروم و زجر دیده اجتماع است که همیشه در آرزوهای نیک بختی سوخته و خواسته است که روزی خود فرمانروای خویش باشد.

۲- ولیر - وزیر از چهره‌های منفی افسانه‌های آذربایجان است. او مردی است چابک و موزی و پول پرست که هیچ مهانه خوبی با طبقات پائین اجتماع ندارد. در افسانه‌های آذربایجان جدال بی‌گیرمیان وزیران و مردم درگیر است.

۳- دیو - دیوهای آذربایجان خیلی پرزور و درعین حال سخت‌پنجه‌اند.

آنها می‌توانند کوهی روی کوه دیگر بگذارند. اما بایک حرف مفت گول می‌خورند و بدست خود گورشان را می‌کنند یا فرار را برقرار ترجیح می‌دهند. مثلاً در افسانه «چیچندان» دیو حرف چیچندان را باور می‌کند و سرخود را می‌برد تا زیر پایش بگذارد و از درخت بالا برود و چیچندان را دستگیر کند.

دیوها گاهی عاشق دخترها و زنها می‌شوند و آنها را می‌دزدند. بندرت هم زنی هم عاشق دیوی می‌شود و او را می‌آورد و در خانه‌اش پنهان می‌کند. مثلاً در افسانه «نارخاتین»

جان دیوها اغلب در شوشه‌ای یا میان چاروئی و آئینه‌ای پنهان است که اگر آنرا بر زمین بزنند دیو نمره می‌کشد و می‌میرد.

۴- روباه و گرگ دو قهرمان آشتی‌ناپذیر و ناسازگار افسانه‌ای آذربایجانند. روباه موجودی است مکار و آب‌زیرکاه و هزار فن و حقه باز که تمام سوراخ‌سینه‌ها را بلد است و گرگ موجودی خشمگین و درنده‌دست و پا چلفتی که همیشه گول زبان چرب و نرم روباه را می‌خورد و در دام می‌افتد و کتک می‌خورد. روباه حتی سرشیر و آدم‌ها و شتر هم کلاه می‌گذارد و از این رهگذر شکمش را سیر می‌کند.